

## عوامل اجتماعی مؤثر در افزایش سن ازدواج دانشجویان دختر (مورد مطالعه: دانشجویان شاغل به تحصیل سال در ۱۳۹۰، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)

الهام بحیرائی\*

دکترزهر احضرتی صومعه\*\*

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر افزایش سن ازدواج در بین دانشجویان دختر شاغل به تحصیل در سال ۱۳۹۰ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات (دانشکده علوم انسانی) انجام شده است. چارچوب نظری پژوهش حاضر با استعانت از نظریه های رابرت کی مرتون، ویلیام گود، آنتونی گیدنز و اوپنهایم شکل گرفته است. این پژوهش با روش پیمایشی از نوع توصیفی و تبیینی انجام پذیرفت. با تکنیک پرسشنامه که دارای اعتبار صوری و قابلیت اعتماد (آلفای کرونباخ بالای ۷۰ درصد) به گردآوری اطلاعات اقدام شد. جامعه آماری در این پژوهش شامل دانشجویان دختر کارشناسی ارشد و دکترای دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات که ۱۵۵۴ نفر و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۱۸ نفر بدست آمد. آزمون فرضیات نشان داد متغیرهای میل به ادامه تحصیل، اشتغال دختران، شرایط اقتصادی، نگرش خانواده و بی اعتمادی اجتماعی در افزایش سن ازدواج تاثیر دارد.

**واژه های کلیدی:** خانواده - ازدواج - افزایش سن ازدواج - نگرش خانواده - بی اعتمادی اجتماعی.

[Pro.office1283@gmail.com](mailto:Pro.office1283@gmail.com)

\*دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

\*\*عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان، استادیار جامعه شناسی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

[z.hazrati@tiau.ac.ir](mailto:z.hazrati@tiau.ac.ir) [hazrati14@yahoo.com](mailto:hazrati14@yahoo.com)

## مقدمه

خانواده بافت اصلی در هر جامعه و در واقع ریشه‌ی جامعه است، از خانواده سالم، جامعه سالم شکل می‌گیرد. ازدواج مقدمه تشکیل خانواده است، بنابراین به عنوان بخشی از نهاد خانواده تلقی می‌شود، زیرا خانواده با ازدواج شروع می‌شود و بدون آن مفهوم چندان روشنی نخواهد داشت.

"ازدواج<sup>۲</sup> یکی از مهمترین رویدادهای زندگی انسان محسوب می‌شود که نه تنها در سلامت جسمی و روانی فرد موثر است، بلکه نقش مهمی در ورود انسان به دوره بزرگسالی بر عهده دارد. ازدواج پدیده‌ای مطلق و فارغ از بستر زمان و مکان نیست. در هر زمان و در هر جامعه چهره خاص دارد و با جامعه نیز دگرگون می‌شود" (ساروخانی، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

ایران همچون سایر کشورهای جهان سوم در مرحله گذار از سنت به مدرنیته است که تغییرات اجتماعی وسیعی را در همه پدیده‌های اجتماعی از جمله در ازدواج و همسرگزینی ایجاد کرده است، تغییراتی که موجب شده است تا مردان و زنان نگرش نوینی از پیوند زناشویی و ازدواج داشته باشند و آن را نه فقط به عنوان یک رابطه جنسی و تولید فرزند، بلکه برای بوجود آوردن یک زندگی کمال‌گرا، توأم با عشق و همدلی و همدمی بدانند. دنیای جدید باعث بالا رفتن سطح آگاهی‌های اجتماعی، سواد عمومی و تحصیلات شده و به موازات آن سطح توقعات و انتظارات مردان و زنان به مراتب بیشتر از گذشته شده است. علاوه بر اینها در کشور ما وقوع انقلاب موجب شد تا تغییرات اساسی در جامعه بوجود آید. از جمله این تغییرات می‌توان به تغییر نقش اجتماعی زنان در جامعه، آزادیهای اجتماعی و مدنی، گرایش آنها به تحصیلات بالاتر و احراز صلاحیتهایی همانند مردان در بدست گرفتن مشاغل خارج از منزل اشاره کرد. اینها همه باعث گردید تا همسرگزینی از شکل سنتی خارج شده و با مسائل دیگری که در نوع خود در کشور ما تازگی داشت، مواجه شود.

نگاهی به آمارهای موجود نشان می‌دهد میانگین سن ازدواج زنان با تحول عمده‌ای روبرو شده است و بر این اساس بین سالهای (۸۵-۱۳۴۵) با افزایش تدریجی همراه بوده و این افزایش در یکی دو دهه اخیر شتاب بیشتری داشته است. به طوری که سن "ازدواج زنان در ایران در سال ۱۳۴۵، ۱۹ سال در سال ۱۳۵۵؛ ۲۰ سال، در سال ۱۳۶۵؛ ۲۱ سال در سال ۱۳۷۵؛ ۲۲ سال و در سال ۱۳۸۵؛ ۲۳/۵ سال بوده و میانگین سن ازدواج دختران از ۱۸ تا ۲۸ سال رسیده است" (کاظمی پور، ۱۳۸۴: ۱۰۶).

مدیر مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان، سن ازدواج برای دختران و پسران را به سه بخش زود هنگام و دیر هنگام تقسیم کرد و گفت: محدوده سن بهنگام برای دختران ۲۷-۱۵ و برای پسران ۳۰-۱۸ و محدوده سن دیر هنگام برای دختران بالای ۲۷ سال برای پسران بالای ۳۰ سال است. وی افزود: در حال حاضر ۴۳ هزار نفر از دختران مجرد در مقطع سنی بزرگتر از ۳۵ سال قراردادارند که در صورت بی‌توجهی به وضعیت آنان در آینده نزدیک فشار اجتماعی سنگینی به بدنه جامعه وارد می‌شود (فرهمندیگی، ۱۳۸۸: ۱۵).

از جمله آسیب‌ها و مضرات دیر ازدواج کردن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: هزینه‌های گزاف، شرایط سنگین

<sup>2</sup> - marriage

ازدواج، تغییر در الگوها و هنجارهای ازدواج، دنیا گرایی، لذت گرایی، تنوع طلبی، افزایش ارتباط ناسالم بین دو جنس، افسردگی، احساس پوچی، اختلالات جنسی، ازبین رفتن طراوت جوانی و ...

بر اساس آمار "سازمان ملی جوانان ایران" ۳۰ درصد دختران ایرانی در شهرهای بزرگ همچون تهران، تبریز، اصفهان، مشهد و شیراز مستقل از خانواده و به طور مجرد زندگی می کنند. بر اساس این آمار در دو دهه گذشته ازدواج دختران کاهش داشته و تعداد دختران تحصیل کرده یی که هرگز ازدواج نکرده اند از ۵ درصد به ۱۶ درصد افزایش پیدا کرده است. بر اساس این آمار در حال حاضر حدود شش میلیون و دویست هزار دختر مجرد ۲۰ تا ۲۹ ساله در ایران وجود دارد که اگر رقم دختران بالای ۲۹ سال که هنوز ازدواج نکرده اند نیز به این تعداد اضافه شود، رقمی بالغ بر هفت میلیون دختر مجرد در ایران وجود خواهد داشت. بر اساس همین آمار، تعداد پسران مجرد ۲۰ تا ۳۴ سال نیز حدود چهار میلیون و هشتصد هزار نفر برآورد شده است. بر اساس این گزارش، با در نظر گرفتن این واقعیت که پسران به ازدواج با دختران در گروه سنی پایین تر تمایل بیشتری نشان می دهند، نتیجه گرفته شده است که یک میلیون و دویست و پنجاه هزار دختر شانس ازدواج نخواهند داشت. (فرهمندیگی، ۱۳۸۸: ۱۵).

بنابراین با توجه به مواردی که به آنها اشاره گردید این ضرورت احساس گردید تا با بررسی عوامل تاثیرگذار بر این پدیده فراگیر بتوان ابتدا نظام ارزش های دختران جوان را شناخت و سپس عواملی را که بر سر راه ازدواج آنان مانع تراشی می کنند از میان برداشته و راهکارهایی عملی را برای فائق آمدن بر این پدیده به دست داد.

این پژوهش با سوال چه عوامل اجتماعی باعث بالا رفتن سن ازدواج دختران گردیده است؟ و باهدف کلی "شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر در افزایش سن ازدواج دانشجویان دختر (مورد مطالعه: دانشجویان شاغل به تحصیل سال ۱۳۹۰ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات)" انجام پذیرفت و اهداف جزئی به شرح زیر مورد توجه قرار گرفتند:

- ۱- شناخت رابطه بین میل به ادامه تحصیل دختران و افزایش سن ازدواج دانشجویان دختر دانشگاه علوم و تحقیقات؛
- ۲- شناخت رابطه بین اشتغال دختران و افزایش سن ازدواج دانشجویان دختر دانشگاه علوم و تحقیقات؛
- ۳- شناخت رابطه بین شرایط اقتصادی در جامعه و افزایش سن ازدواج دانشجویان دختر دانشگاه علوم و تحقیقات؛
- ۴- شناخت رابطه بین نگرش خانواده نسبت به انتخاب همسر و افزایش سن ازدواج دانشجویان دختر دانشگاه علوم و تحقیقات؛
- ۵- شناخت رابطه بین بی اعتمادی اجتماعی و افزایش سن ازدواج دانشجویان دختر دانشگاه علوم و تحقیقات؛
- ۶- شناخت رابطه بین پایگاه اجتماعی فرد و خانواده و تاثیر آن بر افزایش سن ازدواج دانشجویان دختر دانشگاه علوم و تحقیقات.

مسئله ازدواج جوانان مورد توجه پژوهشگران داخلی و خارجی بسیاری بوده است که در این نوشتار به مرور برخی از این پژوهش ها پرداخته می شود:

ردر فورد و همکارانش (۲۰۰۱) در تحقیقی تحت عنوان « ازدواج و کاهش آن در ژاپن » نشان داد که در ژاپن بعد از

جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۷۵ میانگین ازدواج نرخ ثابتی داشت؛ اما بین سالهای ۱۹۹۵-۱۹۷۵ میانگین سن ازدواج به طور قابل ملاحظه ای افزایش یافت و برای زنان از ۲۴/۵ به ۲۷/۵ و برای مردان از ۲۷/۶ به ۳۰/۷ ارتقا یافت، و بدین ترتیب ژاپن بین کشورهای قرار گرفت که از میانگین سن ازدواج بالایی برخوردار هستند. از طرف دیگر آمار افراد هرگز ازدواج نکرده نیز از ۵ درصد به ۱۵ درصد برای زنان و برای مردان از ۶ درصد به ۲۲ درصد رسید. به دنبال افزایش سن ازدواج نرخ زاد و ولد بین سالهای ۱۹۹۹-۱۹۷۵ از ۱/۹ به ۱/۳ درصد کاهش یافت و امروزه این نرخ رشد منفی یافته است. بالا رفتن سن ازدواج بستگی به عوامل اقتصادی اجتماعی و فرهنگی شامل افزایش علاقه زنان به ادامه تحصیل، تغییر نگرش راجع به زندگی خانوادگی و رواج روابط جنسی قبل از ازدواج دارد.

کبری پایاد در سال ۱۳۸۰ به بررسی بالا رفتن سن ازدواج دختران استان تهران پرداخت. محقق در این پژوهش از روش توصیفی از نوع پیمایشی استفاده کرده است. جامعه آماری آن کلیه دختران ۲۴ سال و بالاتر در شهر تهران بودند و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۱۰۰ نفر برآورد گردیده است. یافته های این پژوهش نشان داد که میزان علاقه دختران به ادامه تحصیلات عالی بر سن ازدواج تاثیر ندارد و فرضیه تائید نمی شود. اما آمادگی برای پذیرش مسئولیت زندگی در سن مناسب ازدواج تاثیر دارد و رابطه معکوس است، یعنی هر چه سن ازدواج پائین تر، عدم آمادگی برای پذیرش مسئولیت زندگی بیشتر می شود و هر چه سن ازدواج بالاتر، عدم آمادگی برای پذیرش مسئولیت کاهش می یابد. و همچنین ثابت شد که عدم حمایت لازم خانواده برای تدارک مقدمات مادی بر سن ازدواج تاثیر دارد و رابطه معکوس است، یعنی افزایش حمایت خانواده در تدارک مقدمات مادی موجب پائین آمدن سن ازدواج و بر عکس می شود.

آذر اسکندری چراتی (۱۳۸۸) عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر پژوهشی تحت عنوان بررسی عوامل موثر بر تاخیر سن ازدواج در ایران با تاکید بر استان گلستان انجام داده است. این پژوهش با استفاده از روش تحقیق اسنادی و پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال استان گلستان بودند که محقق با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۹۰ نفر را به عنوان حجم نمونه انتخاب نمود. یافته های پژوهش محقق نشان داد که بین متغیرهای ادامه تحصیل و بالا آوردن انتظارات و سخت گیری در انتخاب همسر، موقعیت اجتماعی خانواده و وضع ظاهری با تاخیر در سن ازدواج رابطه معناداری وجود دارد.

با مروری بر تحقیقات صورت گرفته در حوزه ی افزایش سن ازدواج می توان گفت که برخی از تحقیقات از پشتوانه نظری قوی برخوردار نیستند و فرضیه ها از درون چارچوب نظری انتخاب نشده اند. مورد بعدی اینکه محققان بیش از حد به عامل اقتصادی توجه کرده اند. محقق در این پژوهش به عوامل اجتماعی موثر در افزایش سن ازدواج دختران دانشگاه آزاد علوم تحقیقات تهران می پردازد که انجام پژوهش دارای اهمیت می باشد.

برای تحلیل و تبیین نظری مساله افزایش سن ازدواج دختران از دو دسته تئوریهای جامعه شناسی و روانشناسی اجتماعی و اندیشه های نظریه پردازان این حوزه ها کمک گرفته می شد. از بین تئوریهای جامعه شناسی، نظریه رابرت کی مرتون<sup>۳</sup> (۱۹۵۴)، آنتونی گیدنز<sup>۴</sup> (۱۹۸۴) از میان نظریه های روانشناسی، نظریه ویلیام گود<sup>۵</sup> (۱۹۵۰)، اوپنهایم<sup>۶</sup> (۱۹۹۴)

<sup>۳</sup> . Merton, Robert . k

<sup>۴</sup> . Giddens, Anthony

<sup>۵</sup> . Good, Viliam

برای چهار چوب نظری پژوهش انتخاب شده اند و در تبیین افزایش سن ازدواج آنچنان که از ادبیات نظری مطرح شده بر می آید به عوامل و پارامترهایی در مقیاس های کلان، میانی، خرد اشاره شده است. در سطح کلان تحولات ساختاری حادث شده در حوزه های شرایط اقتصادی و پایگاه اجتماعی تحقق پیدا کرده اند و در سطح میانی فرآیند اجتماعی شدن<sup>۶</sup> که اشتغال دختران، اعتماد اجتماعی و در سطح خرد، دگرگونی در شخصیت افراد جامعه به لحاظ نوگرایی، میل به ادامه تحصیل و نگرش خانواده موجب تحول کیفی در سن ازدواج شده است که خود موجب شکل گیری رویکردهای مختلف در مورد افزایش سن ازدواج گردیده است. بنابراین در این پژوهش برای رسیدن به تحلیلی جامع، افزایش سن ازدواج را در سه سطح مورد بررسی قرار می دهیم و متفکرانی چون رابرت کی مرتون سطح کلان، آنتونی گیدنز سطح میانی و ویلیام گودو او پنهام در سطح خرد به بررسی این مساله پرداخته اند.

به عقیده مرتن هرگاه وسایل و اهداف در یک گروه اجتماعی و یا به طور کلی تر در ساختار جامعه، هماهنگ باشند، مثلاً هر دو کوش راهها و اهداف سنتی را دنبال نمایند و یا هر دو عقلایی - حقوقی باشند آن جامعه دچار مشکل نخواهد بود ولی چنانچه اهداف ارزشی و یا عاطفی باشند ولی راههای وصول به آنها عقلایی باشد دیگر با یک جامعه متعادل و هماهنگ روبرو نخواهیم بود (به نقل از تنهایی، ۱۳۸۲: ۷۶). و این همان اتفاقی است که درباره موضوع پیش رو یعنی پدیده ازدواج در ایران می تواند رخ داده باشد. وی معتقد است که بی سامانی و ناهنجاری در ساخت اجتماعی زمانی رخ می دهد که هماهنگی میان راهها و اهداف از بین برود و چنانچه این هماهنگی حاصل نشود جامعه ناسالم خواهد بود. بر اساس این تحلیلی که وی ارائه می دهد پیدایش و استمرار هر ساخت اجتماعی اعم از همنا و یا کجرو منوط به چگونگی عملکرد روابط و هماهنگی میان راهها و اهداف است. پس می توان نتیجه گرفت که در جامعه ایران پدیده اجتماعی ازدواج به عنوان یکی از اهداف جامعه با راهها و وسایل مورد نیاز جهت رسیدن آن هماهنگ نیست (همان: ۱۴۵).

بر اساس تئوری ویلیام گود ، دگرگونی های بوجود آمده در خانواده نتیجه اجتناب ناپذیر دگرگونیهای ساختاری (جامعه) و دگرگونیهای ایدئولوژیکی است. مدرنیزاسیون در سطح فردی و اجتماعی بر زمان ازدواج تاثیر گذار است. از مهمترین شاخص های مدرنیزاسیون می توان به گسترش فرصت های تحصیلی، تغییرات وسیع در نیروی کار و فعالیتهای شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره کرد لذا افرادی که در مناطق شهری زندگی می کنند، به دلیل شیوه های زندگی متفاوت و نیز کنترل اجتماعی ضعیف تر نسبت به مناطق روستایی ازدواجشان با تاخیر صورت می گیرد (اعزازی، ۱۳۸۸: ۱۷).

به نظر گیدنز یکی از مهمترین آفت های اجتماعی که هر جامعه ای را با مشکل جدی مواجه می سازد فقدان اعتماد میان اعضای جامعه یا به اصطلاح بی اعتمادی است. گسترش بی اعتمادی و دورویی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحرافات اخلاقی در سطح جامعه به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز تسری یافته و اساساً کیفیت ارتباط با دیگران را دچار شک و تزلزل کرده است (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۴۴). به عقیده گیدنز توسعه کمی شهرنشینی و افزایش جمعیت، آدمها را باهم بیگانه کرده و موجبی اعتمادی و حداقل دیر اعتمادی افراد به یکدیگر می شود که نقطه عطف و

<sup>6</sup>. Openhaim  
<sup>7</sup>. socialization

حساس این مساله در ازدواج و وصلت با دیگری خود را نشان می دهد (گیدنز، ۱۳۸۳: ۹۸).

نگرش نوعی آمادگی در فرد است که احساسات و تمایلات خاصی را در وی برانگیخته و فرد را به انجام رفتاری خاص وا می دارد (اوپنهایم، ۱۳۶۹: ۸۵). نگرش در چارچوب نوعی تصمیم گیری مبتنی بر جمع نمودن عواملی چند از طرف یک فرد در مقابل افراد دیگر است با توجه به اینکه شکل گیری نگرش از سوی افراد، نیازمند انباشته شدن مجموعه ای از داده ها در قالب رویت ها، حس نمودن ها و ادراکات است. بر این اساس ذهن انسان با عنوان تجمع ورودها، به سیستم انسانی باید وضعیت از پیش تعیین شده ای را جهت اتخاذ یک نگرش به خود تقبل نماید و در این جهت بعد از تجمع داده ها نسبت به فرد یا موضوعی از سوی انسان، نگرش مورد نظر شکل می گیرد. نگرش های فرد غالباً حاضر اما راکد است و نیتها در صورت برخورد با موضوع، نگرشی در بیرون رفتار تجلی می کند. نگرشها بوسیله عقاید و باورها تقویت می شوند و اغلب احساسات قوی را که به عنوان نوعی خاص از رفتار منجر می شود جذب می کند (همان منبع: ۹۶).

### فرضیات پژوهش

- ۱- به نظر می رسد میل به ادامه تحصیل دختران در افزایش سن ازدواج تأثیرگذار است.
  - ۲- به نظر می رسد اشتغال دختران در افزایش سن ازدواج تأثیر دارد.
  - ۳- به نظر می رسد شرایط اقتصادی دختران در افزایش سن ازدواج تأثیرگذار است.
  - ۴- به نظر می رسد نگرش خانواده در انتخاب همسر در افزایش سن ازدواج تأثیرگذار است.
  - ۵- به نظر می رسد بی اعتمادی اجتماعی در افزایش سن ازدواج تأثیرگذار است.
- براساس فرضیات مطرح شده متغیرهای تحقیق به دو صورت مستقل و وابسته بیان می شود:
- متغیرهای مستقل این پژوهش عبارتند از: ۱- میل به ادامه تحصیل ۲- اشتغال دختران ۳- شرایط اقتصادی ۴- نگرش خانواده در انتخاب همسر ۵- بی اعتمادی اجتماعی
- متغیر وابسته: افزایش سن ازدواج.

### روش

این پژوهش با روش پیمایشی از نوع توصیفی و تبیینی انجام پذیرفت، همچنین به منظور تدوین چارچوب نظری پژوهش، از روش اسنادی و مطالعات کتابخانه ای بهره گرفته شد. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل دختران ۲۵ تا ۳۹ ساله دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات می باشد که براساس آخرین آمار، تعدادشان ۱۵۵۴ نفر است. در پژوهش حاضر از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران استفاده گردید که عدد ۳۱۸ بدست آمد. روش نمونه گیری این پژوهش به صورت تلفیقی از نمونه گیری سهمیه ای و تصادفی ساده است.

تکنیک یا ابزار این پژوهش "پرسشنامه توام با مصاحبه" است. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته

استفاده گردید. جهت به دست آوردن اعتبار<sup>۸</sup> ابزار جمع آوری اطلاعات ( پرسشنامه ) از اعتبار صوری استفاده شد و پرسشنامه طراحی شده به تعدادی از اساتید خبره و برگزیده جامعه شناسی داده شد و وفاق آنها در مورد شاخصها ، دلیل روشنی بر اعتبار پرسشنامه طراحی شده است. همچنین به دلیل اینکه پرسشنامه این پژوهش از داخل نظریه های مطرح ، چارچوب نظری و مدل تحلیلی استخراج شده است دارای اعتبار سازه ای است. پرسشنامه این پژوهش ، تحت پیش آزمون رسمی بر روی یک دهم حجم نمونه قرار گرفته است و پس از کدگذاری و استخراج داده‌ها، آزمون آلفای کرونباخ انجام گردید که آلفای به دست آمده بالای ۷۰ درصد است بنابراین گویه های طراحی شده دارای اعتماد<sup>۹</sup> - انسجام درونی - است.

## یافته ها

### میل به ادامه تحصیل

نتایج به دست آمده از میل به تحصیل نشان می دهد که ۸۹/۶ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافقتند که؛ بالا رفتن آگاهی و تغییر اهداف زندگی بر سن ازدواج تاثیر گذار است. ۸۲ درصد پاسخگویان نیز با این گویه موافق و کاملاً موافقتند که؛ تحصیلات عالی در زنان باعث افزایش سن ازدواج می شود. ۲۹/۲ درصد پاسخگویان با این گویه مخالف و کاملاً مخالف هستند که فشار روانی طول دوران تحصیل باعث افزایش سن ازدواج می شود.

### اشتغال دختران

نتایج به دست آمده از اشتغال دختران نشان می دهد که ۷۲/۴ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافقتند که؛ استقلال مالی دختران باعث افزایش سن ازدواج می شود. ۲۶/۷ درصد پاسخگویان با این گویه مخالف و کاملاً مخالف هستند که ازدواج ممکن است موقعیت شغلی دختران را به خطر بیندازد.

### شرایط اقتصادی

نتایج به دست آمده از شرایط اقتصادی نشان میدهد که ۸۳/۶ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافقتند که؛ با وضعیت تورم کنونی افزایش قیمتها نمی توان به راحتی ازدواج کرد. ۸۰/۸ درصد پاسخگویان نیز با این گویه موافق و کاملاً موافقتند که؛ بیکاری مهمترین عامل افزایش سن ازدواج است ۳۷/۴ درصد پاسخگویان با این گویه مخالفند و کاملاً مخالف هستند که جشن عروسی باید با شکوه هرچه تمامتر برگزار گردد.

### نگرش خانواده

نتایج به دست آمده از نگرش خانواده نشان می دهد که ۸۶ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافقتند که؛ رضایت والدین در ازدواج بسیار مهم است و باید به نظر آنان احترام گذاشت. ۲۵/۸ درصد پاسخگویان با این گویه نه موافق و نه مخالف هستند که چشم وهم چشمی خانواده ها باعث بالا رفتن سن ازدواج می گردد.

### بی اعتمادی اجتماعی:

<sup>۸</sup> validity  
<sup>۹</sup> reliability

نتایج به دست آمده از بی اعتمادی نشان می دهد که ۸۴ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافقند که؛ روابط سالم قبل از ازدواج باعث شناختن بیشتر طرفین و تصمیم گیری راحت تر می شود. ۶۰/۶ درصد پاسخگویان با این گویه مخالف و کاملاً مخالف هستند که یکی از راه های انتخاب همسر مراجعه به سازمان های غیر رسمی و اعتماد به آنان است. همچنین ۶۵ درصد پاسخگویان با این گویه مخالف و کاملاً مخالف هستند که امروزه یکی از راه های انتخاب همسر ریا، همسریابی اینترنتی است.

### بررسی فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: به نظر می رسد میل به ادامه تحصیل دختران در افزایش سن ازدواج تأثیرگذار است.

جدول شماره ۱- ضرایب رگرسیونی بین تحصیلات دختران و افزایش سن ازدواج

خطای برآورد $S_{ee}$	نمو ضریب تبیین $R^2_{adj}$	ضریب تبیین $R^2$	ضریب همبستگی رگرسیونی R
۲/۹۴۴	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۲۵

مطابق با جدول فوق، ضریب همبستگی رگرسیونی بین میزان تحصیلات دختران و بالا رفتن سن ازدواج در پاسخگویان برابر با ۰/۲۵ بوده که نشان دهنده همبستگی خطی بین دو متغیر می باشد. همچنین مقدار ضریب تبیین برابر با ۰/۰۶ بوده که نشان دهنده این است که ۶٪ از واریانس های متغیر بالا رفتن سن ازدواج توسط متغیر تحصیلات دختران تبیین می شود. همچنین مقدار  $K^2$  (ضریب عدم تبیین) برابر با ۰/۹۴ می باشد که مابقی توسط سایر متغیرها مشخص خواهد شد.

جدول شماره ۲- برآورد ضرایب رگرسیونی

	$\beta$	$SE_{\beta}$	$\beta_{standard}$	T	Sig
بالا رفتن سن ازدواج	۰/۱۲	۰/۰۲۷	۰/۲۵	۴/۶۰۸	۰/۰۰۰

با توجه به جداول فوق میزان همبستگی بین دو متغیر میزان تحصیلات دختران و بالا رفتن سن ازدواج در سطح خطاپذیری ( $P < 0.05$ ) معنی دار بوده و برابر با ۰/۲۵ و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ بوده است و همچنین مقدار آزمون T برای برآورد پیش بینی متغیر تحصیلات دختران بر بالا رفتن سن ازدواج معنی دار می باشد  $\&sig = 4/608$  = این نتیجه نشان می دهد که در ازای یک واحد تغییر در تحصیلات دختران، بالا رفتن سن ازدواج به میزان ۱۲٪ افزایش خواهد یافت. با توجه به نتایج بدست آمده، متغیرها از قابلیت پیش بینی مناسبی برخوردارند. بنابراین  $H_1$  تایید و  $H_0$  با حداکثر اطمینان ۹۹/۹٪ رد می شود.

فرضیه دوم: به نظر می رسد اشتغال دختران در افزایش سن ازدواج تأثیرگذار است.



جدول شماره ۳- ضرایب رگرسیونی بین اشتغال دختران و بالا رفتن سن ازدواج

خطای برآورد $S_{ee}$	نمو ضریب تبیین $R^2_{adj}$	ضریب تبیین $R^2$	ضریب همبستگی رگرسیونی R
۲/۸۹۷	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۳۰

مطابق با جدول فوق، ضریب همبستگی رگرسیونی بین میزان اشتغال دختران و بالا رفتن سن ازدواج در پاسخگویان برابر با ۰/۳۰ بوده که نشان دهنده همبستگی خطی بین دو متغیر می باشد. همچنین مقدار ضریب تبیین برابر با ۰/۰۹ بوده که نشان دهنده این است که ۹٪ از واریانس های متغیر بالا رفتن سن ازدواج توسط متغیر اشتغال دختران تبیین می شود. همچنین مقدار  $K^2$  (ضریب عدم تبیین) برابر با ۰/۹۱ می باشد که مابقی توسط سایر متغیرها مشخص خواهد شد.

جدول شماره ۴- جدول برآورد ضرایب رگرسیونی

	$\beta$	$SE_{\beta}$	$\beta_{standard}$	T	Sig
بالا رفتن سن ازدواج	۰/۲۴	۰/۰۴۴	۰/۳۰	۵/۵۷۹	۰/۰۰۰

با توجه به جداول فوق، میزان همبستگی بین دو متغیر میزان اشتغال دختران و بالا رفتن سن ازدواج در سطح خطا پذیری ( $P < 0.05$ ) معنی دار بوده و برابر با ۰/۳۰ و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ بوده است و همچنین مقدار آزمون T برای برآورد پیش بینی متغیر اشتغال دختران برابر با بالا رفتن سن ازدواج معنی دار می باشد  $T = 5/579$  &  $sig = 0/000$ . این نتیجه نشان می دهد که در ازای یک واحد تغییر در اشتغال دختران، بالا رفتن سن ازدواج به میزان ۲۴٪ افزایش خواهد یافت. با توجه به نتایج بدست آمده، متغیرها از قابلیت پیش بینی مناسبی برخوردارند. بنابراین  $H_1$  تایید و  $H_0$  با حداکثر اطمینان ۹۹/۹٪ رد می شود.

فرضیه سوم: به نظر می رسد شرایط اقتصادی دختران در افزایش سن ازدواج تأثیرگذار است.

جدول شماره ۵- ضرایب رگرسیونی بین شرایط اقتصادی و بالا رفتن سن ازدواج

خطای برآورد $S_{ee}$	نمو ضریب تبیین $R^2_{adj}$	ضریب تبیین $R^2$	ضریب همبستگی رگرسیونی R
۲/۸۸۶	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۳۱

مطابق با جدول فوق، ضریب همبستگی رگرسیونی بین میزان شرایط اقتصادی و بالا رفتن سن ازدواج در پاسخگویان برابر با ۰/۳۱ بوده که نشان دهنده همبستگی خطی بین دو متغیر می باشد. همچنین مقدار ضریب تبیین برابر با ۰/۰۹ بوده که نشان دهنده این است که ۹٪ از واریانس های متغیر بالا رفتن سن ازدواج توسط متغیر شرایط اقتصادی تبیین می شود. همچنین مقدار  $K^2$  (ضریب عدم تبیین) برابر با ۰/۹۱ می باشد که مابقی توسط سایر متغیرها مشخص

خواهد شد.

جدول شماره ۶- جدول برآورد ضرایب رگرسیونی

	$\beta$	$SE_{\beta}$	$\beta_{standard}$	T	Sig
بالا رفتن سن ازدواج	۰/۳۱	۰/۰۵۳	۰/۳۱	۵/۹۰۶	۰/۰۰۰

با توجه به جداول فوق میزان همبستگی بین دو متغیر میزان شرایط اقتصادی و بالا رفتن سن ازدواج در سطح خطا پذیری ( $P < 0.05$ ) معنی دار بوده و برابر با ۰/۳۱ و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ بوده است و همچنین مقدار آزمون T برای برآورد پیش بینی متغیر شرایط اقتصادی بالا رفتن سن ازدواج معنی دار می باشد  $T = 5.906$  و  $\text{sig} = 0.000$ . این نتیجه نشان می دهد که در ازای یک واحد تغییر در شرایط اقتصادی، بالا رفتن سن ازدواج به میزان ۳۱٪ افزایش خواهد یافت. با توجه به نتایج بدست آمده، متغیرها از قابلیت پیش بینی مناسبی برخوردارند. بنابراین  $H_1$  تایید و  $H_0$  با حداکثر اطمینان ۹۹/۹٪ رد می شود.

فرضیه چهارم: به نظر می رسد نگرش خانواده در انتخاب همسر در افزایش سن ازدواج تاثیرگذار است.

جدول شماره ۷- ضرایب رگرسیونی بین نگرش خانواده و افزایش سن ازدواج

ضریب همبستگی رگرسیونی R	ضریب تبیین $R^2$	نمو ضریب تبیین $R^2_{adj}$	خطای برآورد $S_{ee}$
۰/۱۷	۰/۰۳	۰/۰۳	۲/۹۹۴

مطابق با جدول فوق ضریب همبستگی رگرسیونی بین میزان نگرش خانواده و بالا رفتن سن ازدواج در پاسخگویان برابر با ۰/۱۷ بوده که نشان دهنده همبستگی خطی بین دو متغیر می باشد. همچنین مقدار ضریب تبیین برابر با ۰/۰۳ بوده که نشان دهنده این است که ۳٪ از واریانس های متغیر بالا رفتن سن ازدواج توسط متغیر نگرش خانواده تبیین می شود. همچنین مقدار  $K^2$  (ضریب عدم تبیین) برابر با ۰/۹۷ می باشد که مابقی توسط سایر متغیرها مشخص خواهد شد.

جدول شماره ۸- جدول برآورد ضرایب رگرسیونی

	$\beta$	$SE_{\beta}$	$\beta_{standard}$	T	Sig
بالا رفتن سن ازدواج	-۰/۲۲	۰/۰۷۰	-۰/۱۷	-۳/۱۶۱	۰/۰۰۲

با توجه به جداول فوق، میزان همبستگی بین دو متغیر میزان نگرش خانواده و بالا رفتن سن ازدواج در سطح خطا پذیری ( $P < 0.05$ ) معنی دار بوده و برابر با ۰/۱۷ و سطح معنی داری ۰/۰۰۲ بوده است و همچنین مقدار آزمون T برای برآورد پیش بینی متغیر نگرش خانواده بر بالا رفتن سن ازدواج معنی دار می باشد  $T = -3.161$  و  $\text{sig} = 0.002$ . این نتیجه نشان می دهد که در ازای یک واحد تغییر در نگرش خانواده، بالا رفتن سن ازدواج به میزان ۲۲٪ کاهش

خواهد یافت. با توجه به نتایج بدست آمده، متغیرها از قابلیت پیش بینی مناسبی برخوردارند. بنابراین  $H_1$  تایید و  $H_0$  با حداکثر اطمینان ۹۹/۹٪ رد می شود.

فرضیه پنجم: به نظر می رسد بی اعتمادی اجتماعی در افزایش سن ازدواج تأثیرگذار است.

جدول شماره ۹- ضرایب رگرسیونی بین اعتماد اجتماعی و بالا رفتن سن ازدواج

خطای برآورد $S_{ee}$	نمو ضریب تبیین $R^2_{adj}$	ضریب تبیین $R^2$	ضریب همبستگی رگرسیونی R
۲/۹۸۱	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۱۹

همبستگی رگرسیونی بین میزان اعتماد اجتماعی و بالا رفتن سن ازدواج در پاسخگویان برابر با ۰/۱۹ بوده که نشان دهنده همبستگی خطی بین دو متغیر می باشد. همچنین مقدار ضریب تبیین برابر با ۰/۰۴ بوده که نشان دهنده این است که ۴٪ از واریانس های متغیر بالا رفتن سن ازدواج توسط متغیر اعتماد اجتماعی تبیین می شود. همچنین مقدار  $K^2$  (ضریب عدم تبیین) برابر با ۰/۹۶ می باشد که مابقی توسط سایر متغیرها مشخص خواهد شد.

جدول شماره ۱۰- جدول برآورد ضرایب رگرسیونی

	$\beta$	$SE_{\beta}$	$\beta_{standard}$	T	Sig
بالا رفتن سن ازدواج	۰/۱۷	۰/۰۴۸	۰/۱۹	۳/۵۷۶	۰/۰۰۰

با توجه به جداول فوق، میزان همبستگی بین دو متغیر میزان بی اعتمادی اجتماعی و بالا رفتن سن ازدواج در سطح خطا پذیری ( $P < 0.05$ ) معنی دار بوده و برابر با ۰/۱۷ و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ بوده است و همچنین مقدار آزمون T برای برآورد پیش بینی متغیر بی اعتمادی اجتماعی بر بالا رفتن سن ازدواج معنی دار می باشد  $\text{sig} = 0.000$  و  $T = 3.576$ . این نتیجه نشان می دهد که در ازای یک واحد تغییر در بی اعتمادی اجتماعی، بالا رفتن سن ازدواج به میزان ۱۷٪ افزایش خواهد یافت. با توجه به نتایج بدست آمده، متغیرها از قابلیت پیش بینی مناسبی برخوردارند. بنابراین  $H_1$  تایید و  $H_0$  با حداکثر اطمینان ۹۹/۹٪ رد می شود.

## بحث

بدون شک ازدواج مهمترین رویداد زندگی افراد جامعه تلقی می شود و این مسئله یکی از شایعترین پدیده های اجتماعی و به حق یکی از اساسی ترین آنهاست، به ویژه در جامعه ماکه جامعه ای جوان است و سن واقعی و سن ایده آل ازدواج، نقشی تعیین کننده در دامنه اشتغال، سطح آموزشی، هرم سنی جمعیت، باروری و مرگ و میر و استحکام یا از هم گسیختگی خانواده ایفای نماید. نوسانات مربوط به سن ازدواج در سطح جامعه تأثیر بسزایی بر جا می گذارد و عوارض و عواقب بهداشتی و اجتماعی آن بر خانواده ها متعدد و انکارناپذیر است. با توجه به آمار ارائه شده در حال

حاضر در کشور ۲۳/۵ میلیون نفر مجرد وجود دارد که اگر درباره آنها و آینده شان تدبیری اندیشیده نشود مسلماً شاهد بروز انواع آسیبها و انحرافات هم در خانواده ها و هم در بعد وسیعتر آن یعنی جامعه می باشیم.

نتایج به دست آمده از میل به ادامه تحصیل دختران بر اساس نظریه ویلیام گود، مدرنیزاسیون یا نوسازی در سطوح فردی و اجتماعی با تاثیرگذاری بر زمان ازدواج صورت می گیرد. در میان مهمترین فاکتورهای مدرنیزاسیون می توان به گسترش فرصت تحصیلی اشاره کرد که باعث افزایش سن ازدواج می شود و در پژوهش حاضر، با توجه به نتایج به دست آمده از سطح تحصیلات، می توان به بررسی تحصیلات که در دوره معاصر مانع و سدی در مقابل ازدواج می باشد پرداخت. میزان علاقه به تحصیلات عالی در بین دختران افزایش یافته و این مساله باعث شده که توقع دختران از همسران آینده بالا رود، همانطور که در تحقیقات پیشین نیز محققانی چون شهلا کاظمی پور، سوزان فرگوسن، گولدشه و ویت، اهداف تحصیلی، تلاش برای تحصیلات بالاتر، فقدان خواستگار مناسب را از جمله عواملی می دانستند که بر عدم تمایل آنها به ازدواج تاثیر گذاشته است و باعث افزایش سن ازدواج شده است و این نتایج با پژوهش حاضر همسوئی دارد.

بررسی متغیر اشتغال دختران بیانگر آن است که در جامعه حاضر با افزایش اشتغال دختران مواجه هستیم و با استقلال مالی که دختران تحصیل کرده به دست می آورند، نیاز کمتری برای ازدواج احساس می کنند؛ همانگونه که در تحقیقات پیشین نیز اسپنشاد و اوپنهایم عامل استقلال اقتصادی زنان را بر کاهش نرخ ازدواج یا افزایش سن ازدواج موثر می دانند.

نتایج به دست آمده از بررسی متغیر شرایط اقتصادی نشان می دهد که یکی از اساسی ترین عوامل افزایش سن ازدواج در میان دختران، ناسازگاری نیازها با محیط و ضعف در مدیریت اقتصادی جامعه است به طوری که افزایش مشکلات اقتصادی و مؤلفه های مهم تورم رکودی، کاهش تولید، بیکاری، مصرف گرایی و افزایش سطح انتظارات اثرات منفی بر سن ازدواج دختران گذاشته و موانع و مشکلاتی را در عرصه اقتصادی سر راه ازدواج آنان به وجود آورده است. افراد جامعه به دنبال هدفهایی هستند که یک نظام اجتماعی باید از طریق خرده نظام سیاسی خویش آنها را مشخص کند و افراد جامعه را به سمت دستیابی به آنها هدایت نماید. این اتفاق هنگامی رخ می دهد که جامعه بر اساس اصل اول جامعه شناسی یعنی اصل اهداف و راهها بتوانند اهداف مشترک جامعه و راههای وصول به آنها را مشخص نمایند تا جامعه در حالتی متعادل و منسجم حفظ شود و تداوم یابد. رابرت کی مرتون معتقد است که بی سامانی و ناهنجاری در ساخت اجتماعی زمانی رخ می دهد که هماهنگی میان راهها و اهداف از بین برود و چنانچه این هماهنگی حاصل نشود جامعه ناسالم خواهد بود. نسل جوان امروز ایران در میان ارزش های معنوی و انتظارات مادی تعیین شده توسط جامعه، در رابطه با ازدواج در پریشانی به سر می برد و این نتایج با پژوهش حاضر همسوئی دارد.

نتایج به دست آمده از اعتماد اجتماعی حاکی از کاهش میزان اعتماد در بین جوانان می باشد. اینگلهارت و گیدنز معتقدند که اعتماد اجتماعی بنیاد هرگونه همکاری را تشکیل می دهد. اعتماد اجتماعی افراد را به انجام کنش های جمعی و داوطلبانه و فعالیت های گروهی در سازمان های غیر دولتی سوق می دهد. در جایی که اعتماد اجتماعی بر روابط اجتماعی حاکم نباشد افراد منافع شخصی خود را دنبال کرده و هیچ گونه تعهدی نسبت به مصالح جمعی نخواهند داشت و همین مساله باعث بد گمانی آنها نسبت به یکدیگر گردیده و موجب خواهد شد که نتوانند با همدیگر همکاری

داشته باشند. به نظر گیدنز یکی از مهمترین آفت های اجتماعی که هر جامعه ای را با مشکل جدی مواجه می سازد فقدان اعتماد میان اعضای جامعه یا به اصطلاح بی اعتمادی است. گسترش بی اعتمادی و دورویی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحرافات اخلاقی در سطح جامعه به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز تسری یافته و اساساً کیفیت ارتباط با دیگران را دچار شک و تزلزل کرده است. به عقیده گیدنز توسعه کمی شهرنشینی و افزایش جمعیت، آدمها را با هم بیگانه کرده و موجب بی اعتمادی و حداقل دیر اعتمادی افراد به یکدیگر می شود. در حال حاضر که جامعه ما درحال صنعتی شدن و گذار از جامعه سنتی به صنعتی است، اعتماد افراد به یکدیگر کاهش یافته است.

از راه های بهنگام سازی سن ازدواج می توان به موارد زیر اشاره کرد: آموزش صحیح و مناسب و ایجاد آمادگی لازم ازدوران دبیرستان به نوجوانان برای پذیرش مسئولیت؛ افزایش سطح آگاهی و اطلاعات جوانان و خانواده ها در مورد ازدواج و مزایای مرتبط با آن و همین طور خطرات ناشی از بلارفتن سن؛ اطلاع رسانی مناسب از طریق رسانه های جمعی در مورد ازدواج آسان، آگاهانه و بهنگام؛ حمایت همه جانبه دولت از جوانان در سن ازدواج؛ ارائه الگوهای موفق ازدواج در سطح جامعه و ...

Archive of SID

## منابع

- اسکندری چراتی، آذر. (۱۳۸۷). *عوامل موثر بر تاخیر سن ازدواج در ایران*، مقاله علمی پژوهشی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزدشهر. آزدشهر: گلستان.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۰). *جامعه شناسی خانواده*، چاپ دوم. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- اوپنهایم، آ. ن. (۱۳۶۹). *طرح پرسشنامه و سنجش نگرشها*. (مرضیه کریم نیا، مترجم). تهران: آستان قدس رضوی.
- پایاد، کبری. (۱۳۸۰). *بالا رفتن سن ازدواج*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- تنهایی، ح. ا. (۱۳۸۲). *جامعه شناسی نظری*. تهران: بهمن برنا
- ردفورد. (۲۰۰۱). *تحقیق در ازدواج و کاهش آن*، ژاپن
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). *مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده*، تهران: انتشارات سروش.
- کاظمی پور، شهلا. (۱۳۸۱). *توانمندی زنان، توانمند سازی کل بشریت*. روزنامه ایران سال هشتم. شماره ۲۲۷۱
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۸). *جامعه شناسی*. (منوچهر صبوری، مترجم). نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳). *چکیده آثار آنتونی گیدنز*. ویراستار، فلیپکسل. (حسن چاوشیان، مترجم). تهران: ققنوس.
- فرهمندیگی، سمیرا. (۱۳۸۷). *بررسی رفتار فردگرایانه و جمع گرایانه به تفکیک جنس در تاخیر در ازدواج*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
- محمودیان، حسینی. (۱۳۸۳). *سن ازدواج در حال افزایش، بررسی عوامل پشتیبان*، مجله علوم اجتماعی. شماره ۲۴

Archive of SID

## **Social factors influencing age at marriage, female students (case study: working students in 1390 to study at Islamic Azad University, Science Research)**

**HazratiSomeeh, Z.(Ph.D)**  
**Bahiraee,E.(M.A)**

### **Abstract**

This research identifies social factors affecting the students working on extending the age at marriage in 1390 to study at Islamic Azad University, Science and Research (Faculty of Humanities) has been done. Theoretical framework to study the theory of sustantation when Robert Merton, William Goode, Anthony Giddens and Avpnhaym formed. This research was conducted through a survey of descriptive and explanatory. Questionnaire technique with formal validity and reliability (Cronbach'salpha above 70 percent) were attempting to gather information. The study population consisted of female students at Master and PhD in Islamic Azad University, Science and Research, which in 1554 had a sample size of 318was obtained using the Cochran formula. Hypothesis testing indicated a desire to study variables, female employment, economic conditions, family attitudes and social distrust in the marriage age has increased

### **Key words:**

Family, Marriage, Marriage age, family attitudes, social distrust .

Archive of SID